

# درس هشتاد و هفتم – نگاهی به پیشوند be افعال و خداحافظی

## با حروف اضافه

سلام دوستان در این درس می خواهیم نگاهی داشته باشیم به پیشوند be به افعال در زبان آلمانی و همچنین خواهیم آموخت چگونه می توانیم با ترکیب کردن فعل با پیشوند be از دسته مبحث پیچیده حروف اضافه به همراه افعال راحت بشیم.

به مثال زیر توجه کنید :

Ich **antworte** auf deinen Brief

من **به** نامه تو پاسخ میدهم

Ich **beantworte** deine Frage

من سوال تو را پاسخ میدهم

در جمله اول میدانیم که هرگاه فعل **antworten** بیاید آنگاه حروف اضافه **auf** نیز باید به همراه آن بیاید زیرا ما در تفکر آلمانی یا زبان آلمانی به روی چیزی همیشه پاسخ میدهم اما در تفکر فارسی معمولا ما به چیزی یا کسی پاسخ میدهم. پس در مثال اول دیدیم که **antworten** آمد و بعد از آن حرف اضافه **auf** که یک حرف اضافه **Akkusativ** ساز است و اسم بعد از خودش را به حالت **Akkusativ** برد **deinen Brief**

و اما در مثال دوم ما از فعل **beantworten** استفاده کردیم و دیدیم که دیگر هیچ حرف اضافه ای در جمله نیاوردیم و توسط این روش حرف اضافه را از جمله حذف کردیم و خیلی جمله ساده تر اما با همان مفهوم جمله اول را ساختیم.

در نتیجه با اضافه کردن پیشوند **be** به افعال زبان آلمانی ، آنگاه آنها را بدون حرف اضافه مورد استفاده قرار دهیم.

چند مثال :

kämpfen

مبارزه کردن ، بر علیه کسی جنگیدن ، نبرد کردن ، به خاطر کسی و یا چیزی جنگیدن و مبارزه کردن ، راه گشودن ، پیش رفتن

bekämpfen

مجادله نمودن ، مبارزه کردن ، جنگیدن

در مورد فعل kämpfen میدانیم که به همراه حروف اضافه gegen, um, durch, für می آید در تفکر آلمانی ما همیشه gegen یا بر علیه کسی مبارزه می کنیم.

یعنی هرگاه kämpfen با حرف اضافه gegen بیاید به این معنی است که بر علیه کسی یا چیزی مبارزه کردن

در تفکر آلمانی ما می توانیم پیرامون چیزی نیز kämpfen کنیم.

یعنی هرگاه kämpfen به همراه um بیاید به این معنی است که به خاطر کسی و یا چیزی جنگیدن و مبارزه کردن

در تفکر آلمانی همچنین ما در میان چیزی می توانیم پیش برویم که این نیز یک نوع مبارزه است برای رفتن به جلو

یعنی هرگاه kämpfen به همراه durch بیاید به این معنی است که راهی گشودن ، پیش رفتن

و در نهایت هرگاه kämpfen به همراه für بیاید همانند تفکر فارسی یعنی برای چیزی جنگیدن

حال به مثال در مورد این فعل به همراه پیشوند be توجه کنید:

Die Arbeiter kämpfen für einen höheren Lohn

کارگران برای یک حقوق بالاتر مبارزه می کنند

Er kämpft um sein Leben

او به خاطر زندگی اش میجنگد

Die Feinde bekämpfen

با دشمنان مبارزه کردن

Eine Seuche bekämpfen

با یک بیماری مهلک جنگیدن

Er bekämpft eine Seuche

او با یک بیماری مهلک مبارزه میکند

Er bekämpfte sie, weil er ein besseres Mittel zu haben glaubte

او ( مذکر ) با او ( مونث ) مجادله میکرد ، چون او ( مذکر ) به داشتن یک امکانات بهتر باور داشت

نکته : در تفکر فارسی هرگاه ما از فعل bekämpfen یا مبارزه کردن استفاده می کنیم ، اسم جمله به حالت Dativ می رود یعنی ما با چیزی می جنگیم که همان ( با ) دلیل داتیو بودن جمله است اما در تفکر آلمانی ما چیزی را می جنگیم یعنی جمله به حالت Akkusativ می رود.

همانطور که در دو مثال بالا که همراه فعل bekämpfen آمد ، حروف اضافه در جملات حذف شده اند و ما توسط روشی که در ابتدای درس گفتم ، توانستیم جملاتی بسازیم که در آنها دیگر هیچ حرف اضافه ای به همراه فعل نباشد.

چند مثال دیگر به همراه یک نکته مهم :

sorgen

زحمت کشیدن ، تلاش کردن ، کوشیدن ، مسئولیت انجام کاری را بر عهده گرفتن ، دلواپس کسی بودن ، برای کسی نگران بودن ، اضطراب داشتن ، پرستاری کردن ، مراقبت کردن ، مواظبت کردن

besorgen

فراهم کردن ، تدارک دیدن ، تهیه نمودن ، کاری را بر گردن گرفتن ، کاری را انجام دادن ، پرستاری کردن ، مراقبت نمودن ،

مواظبت کردن ، نگران بودن ، دلواپس بودن

Können Sie **für** die Theaterkarten sorgen?

شما می توانید **برای** بلیط تئاتر زحمت بکشید ( آنها را تهیه کنید ) ؟

Können Sie die Theaterkarten **besorgen**?

شما می توانید بلیط تئاتر را فراهم کنید؟

میدانیم که هرگاه فعل **sorgen** را داشته باشیم آنگاه با حروف اضافه **für, um** نیز سر و کار داریم مانند مثال بالا و همچنین مثال زیر :

Anna muss allein **für** ihren Sohn sorgen

آنا باید به تنهایی **برای** پسرش دلواپس باشد.

در تفکر آلمانی نیز همانند فارسی ما برای چیزی دلواپس یا نگران می شویم اما تفاوتی نیز وجود دارد که ما در فارسی از کسی یا چیزی مواظبت یا پرستاری میکنیم که در زبان آلمانی ما می توانیم برای چیزی یا پیرامون چیزی مراقبت و مواظبت کنیم.

اما اگر همین مثال را بخواهیم با **besorgen** بگویم ، آنگاه می بایستی به صورت زیر عمل کنیم.

Anna muss allein ihren Sohn **besorgen**

آنا باید به تنهایی از پسرش مراقبت یا **مواظبت کند**.

به همین سادگی می توانیم دیگر از مبحث پیچیده حروف اضافه به همراه افعال راحت شویم.

نکته : توجه داشته باشید که هرگاه فعل جمله ما با پیشوند **be** ترکیب می شود آنگاه اسامی به صورت اتوماتیک به حالت

Akkusativ میروند و اگر توجه کنید در تمام مثال های این درس وقتی به فعل پیشوند be اضافه میکنیم آنگاه اسم جمله در حالت Akkusativ است ، اما توجه داشته باشید که در تفکر فارسی معمولا اسامی به حالت Dativ میروند ، مانند :

آنا باید از پسرش مراقبت کند

می بینید که ( از پسرش ) در فارسی اسم در حالت داتیو است ، یعنی ( از ) دلیل بر داتیو بودنش است

اما در مثال آلمانی اسم ما به حالت Akkusativ رفته است Ihrn Sohn

پس به تفاوت طرز تفکری که میان فارسی زبان ها و آلمانی زبان هاست خیلی خیلی دقت کنید! هر چند که سعی میکنم در هر درسی این توضیحات را بدهم تا شما بیشتر با تفکر آلمانی زبان ها آشنا شوید.

مثال :

wohnen

ساکن بودن ، اقامت داشتن ، اقامت کزیدن ، مسکن داشتن

bewohnen

سکونت داشتن ، مسکن کردن ، سکنی کردن

Er konnte bei Freunden wohnen

او می توانست نزد دوستانش سکونت کند

Sie wohnen im Hotel

آنها در هتل اقامت دارند

Auf dem Land wohnen

در اطراف شهر زندگی کردن

In der Stadt wohnen

در شهر زندگی کردن

همانطور که دیدید فعل wohnen به همراه حروف اضافه in, auf, bei مورد استفاده قرار گرفت ، حال می توانیم با اضافه کردن پیشوند be به این فعل ، دیگر حروف اضافه را حذف کنیم.

Ein Haus bewohnen

در یک خانه ساکن بودن یا مسکن داشتن

Ein Stockwerk bewohnen

در یک طبقه ساکن بودن یا مسکن داشتن

Bewohnt noch jemand dieses Haus ?

هنوز کسی در این خانه سکونت دارد؟

همانطور که دیدید توسط اضافه کردن پیشوند be به فعل wohnen آنگاه حرف اضافه را از جمله حذف کردیم.

sagen

گفتن ، اظهار نظر کردن ، فرمودن ، بازگو کردن ، بر زبان آوردن ، تعریف کردن ، بیان کردن ، بروز دادن ، نشان دادن ، فهمانیدن ، مطلبی را باز گفتن

besagen

بیان کردن ، بر زبان آوردن ، فهمانیدن ، بیان کردن

Was hat er über mich gesagt?

چه چیزی او در مورد من گفت ؟

Was sagst du zu meiner neuen Frisur?

نظرت در مورد آرایش جدید موهای من چیست؟

Diese Ausführungen besagen, dass wir uns in Zukunft neu orientieren müssen

نحوه ی اجرای کارها بیان میکند که ما باید در آینده یک موقعیت جدیدی را تعیین کنیم.

در مورد فعل orientieren باید بگویم معنی : خود را جمع و جور کردن را نیز میدهد ، مانند مثال زیر :

Ich muss mich erstmal orientieren

من باید اول خودم را جمع و جور کنم.

Das besagt viel

آن خیلی حرف برای گفتن دارد! ( اصطلاح )

نکته : توجه داشته باشید که این روش تنها برای افعالی که انعکاسی نیستند جواب میدهد ، مثلا اگر فعل ما انعکاسی باشد آنگاه دیگر ما نمی توانیم با استفاده از پیشوند be حروف اضافه جمله را حذف کنیم بلکه با وجود پیشوند be نیز باید از حروف اضافه استفاده کنیم ، چون فعل ما یک فعل انعکاسی است.

danken

سپاس گفتن ، تشکر کردن ، متشکر بودن ، قبول نکردن ، رد کردن ، نپذیرفتن ، زیر دین بودن

bedanken یک فعل انعکاسی است

اظهار تشکر کردن ، سپاسگذاری کردن ، رد کردن ، نپذیرفتن ، ناخواستن

Ich danke Ihnen für Ihre Hilfe

من تشکر میکنم ازتون برای کمکتون

Ich möchte mich für Ihre Hilfe bedanken

من می خواهم برای کمک شما ازتون تشکر کنم

از آنجایی که فعل bedanken یک فعل انعکاسی بود و دیدید که به همراه mich آمده بود ، آنگاه اگر چه پیشوند be را نیز به همراه داشت ولی با این وجود باز از حرف اضافه für استفاده کردیم!

klagen

نالہ سر دادن ، شکوہ کردن ، نالہ کردن ، ناراضی بودن ، علیہ کسی بہ دادگاہ شکایت کردن ، آہ و زاری کردن ، شکایت کردن

beklagen یک فعل انعکاسی می باشد

نالہ کردن ، شکوہ سر دادن ، در عزا و ماتم کسی بودن ، سوگواری کردن ، تاسف خوردن ، حسرت کشیدن ، بر علیہ کسی بہ دادگاہ شکایت کردن

Alle klagen über den Winter

همہ از زمستان ناراضی هستند

همہ بہ خاطر زمستان نالہ و شکوہ سر میدهند

میدانیم کہ فعل klagen ہمیشہ بہ ہمراہ حرف اضافه über می آید، یعنی در تفکر آلمانی ما بالای یا روی یا درباره ی چیزی شکوہ سر میدہیم ، نالہ میکنیم اما در تفکر فارسی ما معمولاً برای چیزی نالہ می کنیم یا از چیزی شکوہ می کنیم!

Er beklagt sich bei seinem Lehrer

او نزد معلم اش شکوہ و نالہ میکرد

Morteza beklagt sich über den Lärm

مرتضی بہ خاطر سر و صدا شکایت میکرد



پس از آنجایی که فعل **bedanken** و **beklagen** هر دو فعل **انعکاسی** بودند ما همچنان نیز از حروف اضافه در جملاتمان استفاده کردیم.

توضیحات کلی :

در این درس آموختیم که می توانیم توسط پیشوند **be** به افعال ، حروف اضافه را از آنها بگیریم و جملاتی بسازیم که در آنها هیچ حروف اضافه ای وجود نداشته باشد با این توضیح که اگر فعل جمله یک فعل انعکاسی باشد ، آنگاه در هر حالتی ما همچنان حروف اضافه را در جملاتمان داریم!

و همچنین آموختیم که هرگاه پیشوند **be** به فعل اضافه می شود با توجه به اینکه فعل انعکاسی نباشد ، آنگاه اسم جمله ما به حالت **Akkusativ** می رود **اگر درجه در تفکر فارسی معمولاً حالت Dativ است!**

پس همانطور که بارها گفته ام ، به تفاوت میان تفکر آلمانی زبان ها و فارسی زبان های خیلی خیلی دقت و توجه کنید!

چنانچه شما نیز در ارتباط با این درس ، سوال ، مثال یا نظری دارید ، می توانید آنرا در بخش نظرات درج کنید.

موفق باشید.